سوره ذبيح از يمين عرش نازل

 **ای ذبيح** در اکثری از الواح الهيّه از قلم امريّه نازل جميع احبّای الهی را وصيّت فرموديم که ذيل مقدّسرا بطين اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نيالايند و همچنين وصيّت فرموديم که بما نزّل فی الالواح ناظر باشند اگر وصايای الهيّه را که از مشرق قلم رحمانی اشراق فرمود بگوش جان ميشنيدند و باصغای آن فائز ميگشتند حال اکثر من فی الامکانرا بخلعت هدايت مزيّن مشاهده مينموديد و لکن قضی ما قضی حال کرّةً اخری در اين ورقه بيضا لسان قدم در اين سجن اعظم ميفرمايد، ای احبّای حقّ از مفازه ضيّقه نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احديّه بشتابيد و در حديقه تقديس و تنزيه مأوی گيريد تا از نفحات اعماليّه کلّ بريّه بشاطی عزّ احديّه توجّه نمايند ابداً در امور دنيا و ما يتعلّق بها و رؤسای ظاهره آن تکلّم جايز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنايت فرموده بر احدی جايز نه که ارتکاب نمايد امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده

أحبّای حقّ اليوم بمنزله مفاتيحند إنشآء اللّه بايد کلّ بقوّت اسم اعظم آن ابواب را بگشايند اينست نصرت حقّ که در جميع زبر و الواح از قلم فالق الأصباح جاری شده و همچنين با ناس بمدارا حرکت نمايند و رفتار کنند و بکمال تقديس و تنزيه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنيکه جميع ناس آن نفوس را امنآء اللّه فی العباد شمرند حال مشاهده کن در چه سمآئی طير أوامر حقّ در طيرآنست و در چه مقامی آن نفوس ضعيفه ساکن طوبی للّذين طاروا بأجنحة الإيقان فی الهوآء الّذی جری من قلم ربّک الرّحمن

ای ذبيح نظر باعمال حقّ کن و قل تعالی تعالی قدرته الّتی أحاطت العالمين و تعالی تعالی انقطاعه الّذی علا علی الخلآئق أجمعين تعالی تعالی مظلوميّته الّتی احترقت بها أفئدة المقرّبين مع آنکه ببلای لا يحصی در دست اعدا مبتلا جميع رؤسای ارض را واحدا بعد واحد تبليغ نموديم آنچه را که ارادة اللّه بآن تعلّق يافته بود لتعلم الأمم أنّ البلآء لا يمنع قلم القدم إنّه يتحرّک بإذن اللّه مصوّر الرّمم حال مع اين شغل اعظم لايق آنست که احبّآء کمر خدمت محکم کنند و بنصرت امراللّه توجّه نمايند نه آنکه بارتکاب امور شنيعه مشغول شوند اگر قدری در افعال و اعمال ظاهره حقّ مشاهده نمائی تخرّ بوجهک علی التّراب و تقول يا ربّ الأرباب أشهد أنّک أنت مولی الوجود و مربّی الغيب و الشّهود و أشهد أنّ قدرتک أحاطت الکآئنات لا تخوّفک جنود من علی الأرض و لا تمنعک سطوة من عليها و أشهد أنّک ما أردت إلّا حيوة العالم و اتّحاد أهله و نجاة مَن فيه حال قدری تفکّر نمائيد که دوستان حقّ در چه مقام بايد حرکت نمايند و در چه هواء طيران کنند اسئل اللّه ربّک الرّحمن فی کلّ الأحيان أن يوفّقهم علی ما أراد إنّه لهو المقتدر العزيز العلّام

ای ذبيح ضرّ اين مظلوم از سجن و تاراج و اسيری و شهادت و ذلّت ظاهره نبوده و نيست بلکه ضرّ اعماليست که احبّای حق بآن عاملند و آنرا نسبت بحق ميدهند هذا ضرّی و نفسه المهيمنة علی العالمين و ضرّ أکبر آنکه هر يوم يکی از اهل بيان مدّعی امری شده بعضی متمسّک بغصنی از اغصان و بعضی مستقلّاً گفته‌اند آنچه گفته‌اند و عاملند آنچه عاملند ای ذبيح لسان عظمت ميفرمايد و نفسی الحق قد انتهت الظّهورات الی هذا الظّهور الأعظم و من يدّعی بعده إنّه کذّاب مفتر نسئل اللّه أن يوفّقه علی الرّجوع إن تاب إنّه لهو التّوّاب و إن أَصَرَّ علی ما قال يبعث عليه من لا يرحمه إنّه لهو المقتدر القدير مشاهده کن که اهل بيان آنقدر ادراک ننمودند که مظهر قبلم و مبشّر جمالم آنچه فرموده ناظرا الی الظّهور و قيامه علی الأمر فرموده و الّا و نفسه الحق بکلمه ای از آنچه فرموده تکلّم نمينمودند اين جهّال امر غنيّ متعالرا لعب أطفال دانسته‌اند هر روز بخيالی حرکت مينمايند و در مفازه ای سائرند لو کان الأمر کما يقولون کيف يستقرّ أمر ربّک علی عرش السّکون تفکّر و کن من المتفرّسين تفکّر و کن من المتوسّمين تفکّر و کن من الرّاسخين تفکّر و کن من المطمئنّين علی شأن لو يدّعي کلّ البشر بکلّ ما يمکن أو فوقه لا تتوجّه إليهم و تدعهم ورآئک مقبلا الی قبلة العالمين لعمری أنّ الأمر عظيم عظيم و اليوم عظيم عظيم طوبی لمن نبذ الوری ورآئه متوجّها الی الوجه الّذی بنوره أشرقت السّموات و الأرضون

ای ذبيح بصر حديد بايد و قلب محکم و رجل نحاس شايد تا بوساوس جنود نفسيّه نلغزد اينست حکم محکم که بإراده مالک قدم از قلم اسم اعظم جاری و نازل شده احفظه کما تحفظ عينک و کن من الشّاکرين در ليالی و ايّام بخدمت حقّ مشغول باش و از دونش منقطع لعمری ما تَرَيهُ اليوم سيفنی و تجد نفسک فی أعلی المقام لو تکون مستقيما علی أمر موليک إنّ إليه منقلبک و مثويک